

مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱۶

شاپای الکترونیکی: ۲۳۸۳-۲۴۹۵

شاپای چاپی: ۲۳۲۲-۲۵۱۴

<http://jrpp.um.ac.ir>

## فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو - شهرستان کبودرآهنگ)

مجتبی علی بابایی\*<sup>۱</sup> - محمود جمعه پور<sup>۲</sup>

۱- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۲- استاد برنامه‌ریزی اجتماعی و توسعه منطقه‌ای، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

صص ۹۱-۱۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۳

### چکیده

**هدف:** مهاجرت معکوس در ایران به عنوان یک پدیده نسبتاً نو که به مرور به یک جریان تأثیرگذار بر جامعه روستایی تبدیل می‌شود، نیازمند بررسی از ابعاد مختلف اسنادی و میدانی است. تحقیق حاضر در پی آن است که فرآیند مهاجرت معکوس از شهر به روستا و عوامل مؤثر بر آن را مورد بررسی قرار دهد.

**روش:** در این پژوهش مسأله مهاجرت معکوس در سطح یک منطقه روستایی که به شکل آشکاری با این پدیده روبه‌رو است به صورت پیمایش موردی و بررسی میدانی مورد مطالعه قرار گرفته است. چهار عامل سطح توسعه در روستاها، شرایط زندگی شهری، میزان درآمد مهاجران و تعلق قومی و محلی به عنوان عوامل احتمالی مؤثر بر مهاجرت معکوس شناسایی و رابطه آن با مهاجرت معکوس بررسی شد و در چهارچوب تحلیل هم‌بستگی مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق دهستان حاجیلو واقع در بخش مرکزی شهرستان کبودرآهنگ است. همه ۹ روستای دهستان مذکور به عنوان مورد مطالعه انتخاب شدند. در این پژوهش در پیمایش میدانی از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. داده‌های به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. چهارچوب نظری این تحقیق از تلفیق و ترکیب دو دسته از نظریات مربوط به مهاجرت موسوم به دیدگاه اقتصادی و رویکرد اقتصاد جدید مهاجرت کار<sup>۱</sup> شکل گرفته است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای سطح توسعه، شرایط نامساعد شهری، میزان درآمد افراد و تعلقات قومی و بومی از یک طرف و مهاجرت معکوس از طرف دیگر رابطه مستقیم وجود دارد.

**محدودیت‌ها و راهبردها:** فقدان آمار کارگاه‌های تولیدی تازه‌تأسیس و به‌دست‌آوردن آمار دقیق آن‌ها از جمله محدودیت‌های تحقیق پیش رو بود. **راهکارهای عملی:** هرچه سطح توسعه در روستاها افزایش یابد، مشارکت فرد فرد روستاییان در امر توسعه دخالت داده شود و تولیدات متناسب با محلّ و منطقه بومی شود، رشد منابع انسانی در روستاها بیش‌تر خواهد شد. **کلیدواژه‌ها:** مهاجرت معکوس، سطح توسعه، خدمات زندگی شهری، درآمد، تعلقات قومی و بومی.

**ارجاع:** علی بابایی، م. و جمعه پور، م. (۱۳۹۵). فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان

حاجیلو - شهرستان کبودرآهنگ). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۴)، ۹۱-۱۰۵.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrpp.v5i4.52717>

## ۱. مقدمه

## ۱.۱. طرح مسأله

مهاجرت نقش بسیار مهمی در کاهش فقر و آسیب‌پذیری در خانواده‌های کم‌درآمد بازی می‌کند. مردم به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، بلایای طبیعی و غیره زادگاه بومی خود را ترک می‌کنند. تا کنون در کشور ما، اغلب مهاجرت‌ها از روستاها به سوی شهرها بوده؛ ولی در سال‌های اخیر شاهد بازگشت مهاجران از شهرها به سوی روستاها هستیم. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر آهنگ این مسأله شدت و رشد بیش‌تری به خود گرفته است.

در نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، تعداد مهاجران از شهر به روستا بیش از مهاجرین روستا به شهر بوده است. طی این دوره تعداد افرادی که از شهر به روستا مهاجرت کرده‌اند ۷۵۵۵۴۶ نفر و تعداد افرادی که از روستا به شهر مراجعه کرده‌اند ۶۵۵۲۵۱ نفر بوده است که ۱۰۰ هزار نفر بیش‌تر از مهاجرت روستا به شهر بوده است. در واقع، بخشی از این جریان مهاجرت معکوس و برگشت مهاجران از شهر به مبدأ پیشین؛ یعنی روستا است.

امروزه، توجهی که سازمان‌های بین‌المللی به ارتباط میان مهاجرت و توسعه می‌کنند، نیاز به مرور دوباره رویکردهای مهاجرت معکوس را نشان می‌دهد. به‌مرور بسیاری از دولت‌ها در این کشورها به این حقیقت بنیادی رسیده‌اند که بحران شهری نخست بحران تولیدکنندگان روستایی است. آمارها نشان می‌دهند که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه وزن و اهمیت روستاها به مراتب بیش از میزان توجهی است که به آن‌ها می‌شود و همان‌گونه که رشد سریع شهرنشینی یک مسأله مربوط به این کشورهاست، روستانشینی و لزوم توجه به

توسعه روستایی نیز به عنوان مهم‌ترین مسأله در این کشورها مطرح است (جمعه‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۲۷).

چنان‌که سازمان بین‌المللی مهاجرت در نسخه‌ای از مطالب آموزشی خود اشاره کرده است تا قرن نوزدهم، این امر آشکار شده بود که جریان‌های مهاجرت اغلب تمایل به تولید جریان‌هایی در خلاف جهت خود (بازگشت) دارند. به مهاجران در جریان‌های خلاف جهت، مهاجران در حال بازگشت گفته می‌شد، در حالی که این موضوع برای مفهوم مهاجرت چرخشی<sup>۲</sup> امری ذاتی تلقی می‌شود، هنوز مسائل زیادی درباره مسأله پیچیده و چندلایه فرآیندهای مهاجرت معکوس حل نشده باقی مانده است. مهاجرت معکوس<sup>۳</sup> فضلی بزرگ و نانوشته در تاریخ مهاجرت است. این نانوشته ممکن است تا حدی به این حقیقت مربوط باشد که در گذشته بسیاری از بازگشت‌ها به طور ناگهانی و بدون برنامه‌ریزی رخ می‌داد، بنابراین ثبت نشده باقی می‌ماند. به همین دلیل، ثبت آن مثل بقیه مسائل مانند اسکان‌دادن<sup>۴</sup> و ادغام یا یک‌پارچگی<sup>۵</sup> مورد توجه قرار نگرفت (سازمان بین‌المللی مهاجرت، ۲۰۰۸).

مهاجرت‌ها و حرکت‌های جمعیتی در ایران عموماً از مناطق عقب‌مانده و کم‌تر توسعه‌یافته به سمت مناطق پیشرفته و رشدیابنده از روستا به روستا و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ اتفاق می‌افتد.

امروزه ما شاهد مهاجرت دوسویه هستیم؛ حرکت از روستاها به شهرها و مهاجرت از شهر به روستاها هرچند با آهنگ کندتر. هم‌اکنون مهاجرفرستی روستاها در بعضی مناطق روند معکوس به خود گرفته است و به سوی مهاجرپذیری پیش می‌رود. جدول (۱) مهاجران واردشده به شهرستان‌های استان همدان را در ۵ سال اخیر (۱۳۹۰-۱۳۸۵) نشان می‌دهد:

جدول ۱- مهاجران واردشده طی ۵ سال گذشته به شهرستان‌های استان همدان

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

شهرستان	جمع	کار	کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	انجام یا پایان خدمت	دستیابی به مسکن	پیروی از خانوار	سایر	اظهاریافته
اسدآباد	۴۹۴۷۰	۲۸۱۳	۱۶۳۸	۱۱۶۱	۲۳۴	۶۵	۱۱۰	۹۵۸۰	۲۹۷۵۰	۳۱۲۲	۹۹۷
بهار	۳۷۵۵	۱۳۴	۲۵۵	۱۳۷	۵۶۰	۳۱	۳۸۹	۴۰۴	۱۴۸۹	۲۳۱	۱۲۵
تویسرکان	۵۲۳۶	۲۰۶	۲۴۵	۲۳۰	۱۰۳۷	۲۶	۲۶۷	۵۰۸	۲۲۵۰	۳۲۱	۱۴۶
رزن	۴۵۲۷	۲۰۰	۱۹۹	۲۱۵	۸۳	۲۴	۴۹۰	۴۴۹	۲۳۶۵	۴۰۷	۹۵
فامنین	۱۳۶۶	۹۹	۳۳	۵۲	۵۶۳	۲	۴۲	۶۲	۴۰۸	۵۷	۴۸

## ادامه جدول ۱

شهرستان	جمع	کار	کار بهتر	انتقال شغلی	تحصیل	پایان تحصیل	انجام یا پایان خدمت	دستیابی به مسکن	پیروی از خانوار	سایر	اظهارنشده
کبودرآهنگ	۱۱۵۷۷	۲۰۳	۱۴۲	۱۰۱۸	۲۸۸۴	۳۸	۳۰۴۰	۵۰۳	۳۲۴۷	۳۲۴	۱۷۸
ملایر	۱۷۸۷۶	۶۳۵	۶۲۳	۶۹۷	۵۹۲۲	۱۷۰	۹۰۰	۱۳۵۳	۵۹۷۷	۱۰۹۹	۵۰۰
نهاد	۸۰۶۷	۳۹۵	۳۳۰	۴۰۱	۱۰۷۲	۹۰	۴۸۳	۹۱۷	۳۵۵۸	۵۵۳	۲۶۸
همدان	۵۰۷۸۱	۱۸۰۰	۱۵۴۴	۲۵۸۷	۱۳۱۱۵	۴۱۸	۳۷۴۴	۳۷۲۴	۲۰۱۷۲	۲۷۱۴	۹۶۳

روند بازگشت مهاجران به روستاها را در نقاط مختلف کشور نیز می‌توان مشاهده کرد؛ به عنوان نمونه، در استان خوزستان روستای تراز واقع در شمال شهرستان لالی که از خدمات عمرانی، بهداشتی و فرهنگی برخوردار شده، از جمله روستاهای مهاجرپذیر این منطقه شده است. این روند در استان‌های شمالی سرعت و شدت بیشتری دارد. با توجه به

آمار فوق‌الذکر می‌توان گفت که مهاجرت معکوس در مناطق مختلف کشور در حال انجام است. در روستاهای استان همدان به‌ویژه روستاهای اطراف شهرستان کبودرآهنگ نیز شاهد بازگشت روستاییان از شهرها به روستاها هستیم. طی سال‌های ۸۵ تا ۹۰ تعداد ۱۸۲ خانوار با جمعیت ۶۳۸ نفر به روستاها برگشته‌اند (جدول ۲)

## جدول ۲- تعداد خانوارهای برگشتی طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۹ در دهستان حاجیلو

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

روستا	خانوار	روستا	خانوار
کردآباد	۴۳	بابان	۱۷
خان‌آباد	۲۱	پرورق	۷
دافداق‌آباد	۷۶	قلی‌آباد	۰
رامیشان	۱۴	ساری‌بلاغ	۰
قزلجه حاجیلو	۴	دولت‌آباد	۰

مهاجرت فرآیندی است که در عرصه داخلی و حتی بین‌المللی در اشکال مختلف (روستا به روستا، روستا به شهر، شهر به شهر، شهر به روستا و کشور به کشور) به دلایل مختلف، محیطی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به وقوع می‌پیوندد.

مهاجرت معکوس یا بازگشت به مبدأ که عموماً از شهرها به روستاها و از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک قلمداد می‌شود، امروزه مورد توجه جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان، سیاستمداران و دولت‌مردان قرار گرفته است.

چندلایه بودن مهاجرت و فرآیند پیچیده آن و تأثیر مهاجران بر مبدأ و مقصد به عوامل گوناگونی از جمله کار، دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی، تحصیل، جاذبه‌های شهری بستگی دارد. همچنین، عوامل مخرب طبیعی؛ مثل سیل، زلزله، آتش‌سوزی مراتع و جنگل‌ها، سرمازدگی، ازدیاد جمعیت، کمبود منابع تولیدی مثل زمین کشاورزی و آب و

نزولات آسمانی نیز در این امر تأثیرگذارند؛ علاوه بر آن، عوامل سیاسی مثل جابه‌جایی جمعیتی، نزاع‌های قومی و جنگ نیز موجب این امر می‌شوند. حتی می‌توان به عوامل دیگری هم چون تخریب محیط زیست نیز اشاره کرد. بر عکس آن، مهاجرت نیز محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر منابع زیست‌محیطی تأثیر مخرب می‌گذارد (گایگر و فلگن ترف، ۲۰۱۳، ص. ۸).

یکی دیگر از فرآیندهای مهاجرت معکوس، فراگیری مهارت‌های علمی، فنی و تولیدی در مهاجرت است که مهاجران در بازگشت به مبدأ آندوخته‌های علمی و تجربی خود را به کار می‌گیرند و این امر در ابعاد مختلف بر توسعه روستاها تأثیرگذار است.

در آینده فاکتور علم و دانش به علت قابلیت در نوآوری، کشف، توسعه و رشد در عرصه جهانی مزیت رقابتی به خود خواهد گرفت. بسیاری از مطالعات نظری اثرات مثبت بازگشت

۳. آیا بین میزان درآمد افراد و مهاجرت معکوس رابطه‌ای وجود دارد؟

۴. آیا بین روابط خویشاوندی و بومی نسبت به مکان‌های مبدأ و مهاجرت معکوس رابطه‌ای وجود دارد؟

### ۲.۱. پیشینه نظری تحقیق

به نظر می‌رسد در خصوص پدیده مهاجرت معکوس در ایران تحقیقات زیادی انجام نشده است. در واقع، این مقوله از موضوعاتی است که نیاز به تحقیق در آن بیش‌تر احساس می‌شود. در این‌جا به معدود یافته‌های پژوهشی در این خصوص بسنده می‌شود.

ربانی، طاهری و روستا (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی اقتصادی (مطالعه موردی: مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)» انجام دادند. در این تحقیق که به روش اسنادی و پیمایشی در روستاهای شهرهای تنکابن و رامسر انجام گرفته، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بین تعلق بومی و درآمد از یک سو و انگیزه‌های مهاجرت معکوس از سوی دیگر، رابطه مثبت و بین مسافت و انگیزه مهاجرت معکوس رابطه منفی وجود دارد. هم‌چنین، آن‌ها میان متغیرهای سن، تحصیلات، شغل و مسکن با انگیزه مهاجرت معکوس رابطه معناداری نیافتند.

تحقیق دیگری نیز توسط مطیعی لنگرودی، قدیری معصوم، رضوانی، نظری و صحنه (۱۳۹۰) با عنوان «تأثیر بازگشت مهاجران به روستاها در بهبود معیشت ساکنان» انجام گرفت. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت موقت نیروی جوان روستایی مهم‌ترین راه‌برد به کار رفته در اداره زندگی بوده است. پس از کسب مهارت و بازگشت به نواحی روستایی تفاوت چشم‌گیری در سرمایه‌های انسانی، مالی و اجتماعی افراد رخ داده است.

ونگ و فن (۲۰۰۴) در تحقیق خود با عنوان «شکست یا موفقیت: عوامل مهاجرت معکوس در شیوان<sup>۸</sup> و آن‌هوی<sup>۹</sup> در چین» به این نتیجه رسیده‌اند که حقارت نهادینه‌شده و اجتماعی روستاییان در شهر، دسترسی آن‌ها به منابع و در نتیجه، احتمال موفقیت آن‌ها را کاهش می‌دهد. به تبع این موضوع، تعلقات قومی و بومی روستاییان افزایش یافته و میل آن‌ها به بازگشت به روستا افزایش می‌یابد.

مارتین و رادو (۲۰۱۰) در تحقیق خود درباره تجربه اروپای شرقی درباره مهاجرت معکوس دریافتند که تجربه

مهاجران از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه را مثبت ارزیابی می‌کنند؛ به این دلیل که افراد مهاجر دانش و فن‌آوری را با خود از خارج به مبدأ می‌آورند (شلاند<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲، ص. ۹۵).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بین سطح توسعه و مهاجرت رابطه وجود دارد. با کاهش فاصله سطح توسعه روستا و شهر و افزایش سطح توسعه در روستا می‌توان روی مسأله مهاجرت اثر گذاشت.

یافته‌های جمعه‌پور (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که بین سطح توسعه روستاها و میزان مهاجرت رابطه معنی‌داری وجود دارد و هرچه روستاها از سطح توسعه بالایی برخوردار شوند، میزان مهاجرت روستا به شهر در آن‌ها کاهش می‌یابد؛ ولی بین سطح برخورداری خدماتی و میزان مهاجرت رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

رشد اسکان‌های غیررسمی، تراکم فزاینده جمعیتی در شهرها و کلان‌شهرها، خالی‌شدن روستاها از سکنه و افت تولیدات کشاورزی و بسیاری از موارد دیگر باعث شده که دولت‌ها در این زمینه تدابیری اتخاذ کنند. از جمله این تدابیر گسترش خدمات روستایی، مقاوم‌سازی خانه‌های روستایی، ایجاد امکانات آموزشی، بهداشتی، گسترش و بهبود وضعیت جاده‌ها، گسترش شبکه مخابراتی، تخصیص تحصیلات بانکی، یاری به استفاده بهینه از آب‌های زیرزمینی، خانه‌سازی و تغییر ساخت روستاها و غیره دلیل این نوع مهاجرت‌ها است. تقویت و ایجاد زیرساخت‌ها و افزایش سطح درآمد در روستاها منجر به افزایش میزان تولید و رونق اقتصادی شده و از پدیده مهاجرت از روستاها به شهر کاسته و از شهر به روستا را افزایش می‌دهد.

با توجه به اهمیت و نقش روستاها در امر تولید کشاورزی و برای جلوگیری از تراکم و تمرکز شهرها مسؤولان را بر آن داشته تا به این مسأله توجه بیش‌تری شود و نگاه برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران و تخصیص منابع و ایجاد فرصت‌های بیش‌تر برای اهالی روستاها و ایجاد زمینه‌های توسعه روستایی برای رشد این مناطق بیش از گذشته متمرکز شود.

سؤالات تحقیق حاضر عبارتند از:

۱. آیا بین افزایش سطح توسعه در روستاها و تغییر الگوی

مهاجرت رابطه‌ای وجود دارد؟

۲. آیا بین شرایط زندگی شهری و تغییر الگوی مهاجرت

رابطه‌ای وجود دارد؟

فراهم آورد و بسیاری از آن‌ها بازگشتند. ۲- در سال‌های اخیر دولت چین توجه ویژه‌ای به پرورش استعدادها کرده است. شایان ذکر است که از سال ۲۰۱۰ چین طرحی را به نام طرح توسعه استعدادها برای چین آغاز کرده و آن را زیربنای تلاش‌های خود برای پرورش استعدادها از سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ کرده است. این طرح اولین نقشه جامع چین برای توسعه منابع انسانی است. این طرح قرار است تأثیر بسیار قدرتمندی را برای اقتصاد ملی چین و توسعه اجتماعی آن برای سال‌های آینده بگذارد.

مسئله اصلی در این‌جا تولید و مهم‌تر از آن، بومی کردن تولید است. باید شرایط برای امکانات تولیدی به‌گونه‌ای با مشارکت اهالی روستاها فراهم شود تا مهاجران بدون دغدغه تأمین مایحتاج به مبدأ خودشان بازگردند و در نظام سکونت-گاهی جایگاه خود را به عنوان یک واحد تولیدی در نظر بگیرند.

طی سال‌های اخیر تولید غیرکشاورزی در دهستان حاجیلو در کنار تولید کشاورزی و دامداری روند رو به گسترش داشته است، هم‌اکنون ۴۱۸ واحد تولیدی کوچک با یک تا چهار کارگر در رشته‌های بافندگی، خیاطی، جوشکاری، تولید خیار شور و فرآوری‌های دامی، قالی‌بافی، در و پنجره‌سازی و تولید قطعات کشاورزی (۷۴۱) نفر مشغول فعالیت هستند (جدول ۳).

شغلی که مهاجران معکوس به کشورهای اروپای شرقی به دست آورده‌اند، سبب شده است که آن‌ها در کشورهای مبدأ درآمدهای بالاتری را کسب کنند و همین امر سبب شده است که ساکنان این کشورها نسبت به مهاجرت‌های کوتاه‌مدت به کشورهای دیگر راغب‌تر شوند و فکر مهاجرت دائم را کنار بگذارند.

کولیر، پیراچا و راندازو (۲۰۱۲) در تحقیق خود درباره عوامل مؤثر بر انتقال سرمایه و مهاجرت معکوس به کشورهای مراکش، الجزایر و تونس دریافتند که احتمال ورود سرمایه به این کشورها توسط مهاجران چرخشی نسبت به مهاجران معکوس دائمی بیش‌تر است. مسئله دیگری که جالب به نظر می‌رسد این است که هرچه مدت زندگی در یک کشور خارجی افزایش می‌یابد، مهاجران تحصیل کرده‌تر کم‌تر سرمایه به کشورهای مبدأ منتقل می‌کنند.

هیاهوونگ (۲۰۱۳) در مقاله خود در مجله سازمان ملل موسوم به یو ان کرونیکل ۱۰ درباره مهاجرت معکوس چینیان به چین دلایل بازگشت را چنین بیان می‌کند: ۱- با رشد بالای اقتصادی در چین، چین بزرگ‌ترین اقتصاد جهان بعد از ایالات متحده شده است. بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ در حالی که اکثر اقتصادهای جهان در رکود فرورفته بودند، اقتصاد چین هم‌چنان به رشد خود ادامه می‌داد و همین موضوع فرصت‌های بیش‌تری را در خانه برای چینی‌های مهاجر

### جدول ۳- تعداد کارگاه‌ها در روستاهای مورد تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

روستا	تعداد کارگاه فعال	تعداد شاغلین
کردآباد	۸ خیاطی و بافندگی و ۱۸ کارگاه متفرقه	۱۹۶
خان‌آباد	۳۶ کارگاه خیاطی و بافندگی، تولید خیار شور، جوشکاری	۷۹
داقداق‌آباد	بیش از ۹۰ کارگاه قالی‌بافی، خیاطی، دروینچه‌سازی و تولید ادوات کشاورزی (شرکت آکار)	۱۷۳
رامیشان	۷ کارگاه خیاطی ۱۰ کارگاه قالی‌بافی	۲۶
قزلجه حاجیلو	۴ کارگاه قالی‌بافی	۷
بابان	۱۱۴ کارگاه قالی‌بافی و تابلو فرش، ۳۰ کارگاه متفرقه	۲۱۹
پرورق	۲۲ کارگاه قالی‌بافی و تابلو فرش، ۶ متفرقه	۴۱
قلی‌آباد	کشاورزی و دامداری	-
ساری‌بلاغ	کشاورزی و دامداری	-
دولت‌آباد	کشاورزی و دامداری	-

جمعیت تولیدکننده دارای شغل و مسکن به جمعیت مصرف‌کننده فاقد شغل و مسکن است (جمعه‌پور، ۱۳۷۸، ص. ۱۵۱).

اهمیت این آبادی‌ها به عنوان واحدهای تولیدی کوچک از این نظر نیز قابل توجه است که خالی‌ازسکنه شدن هر یک از این روستاها به معنی تعطیلی یک واحد تولیدی و تبدیل

## ۲. روش‌شناسی تحقیق

### ۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

محدوده این تحقیق خانوارهای از مهاجرت برگشته یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان کبودرآهنگ به نام

حاجیلو است که در شمال و شرق شهرستان کبودرآهنگ قرار گرفته و شامل ۹ روستا است. در جدول زیر آبادی‌ها و توزیع جمعیت آن‌ها در سرشماری‌های مختلف نشان داده می‌شود (جدول ۴).

### جدول ۴- توزیع جمعیت در دهستان حاجیلو

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰

جمعیت ۱۳۹۰	جمعیت ۱۳۸۵	جمعیت ۱۳۷۵	آبادی‌ها
۳۳۸۵	۳۰۲۶	۲۸۳۴	بلان
*	۲۰	۸	دولت‌آباد
۴۶	۲۷	۴	ساری بلاغ
۹۰۱	۹۴۶	۹۹۳	قزلجه
۳۴	۲۴	۵۰	قلی‌آباد
۲۳۴۴	۲۱۱۸	۲۱۴۶	خان‌آباد
۴۷۱۷	۴۸۸۲	۴۹۸۴	دلق‌دلق‌آباد
۱۵۳۳	۱۳۲۱	۱۱۸۶	پرورق
۷۹۶	۸۰۷	۱۱۰۸	رامیشان
۲۳۳۷	۲۳۱۲	۲۸۰۹	کردآباد

### ۲.۲. روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیلی و پیمایشی استفاده شده است. شیوه نمونه‌گیری این تحقیق از طریق پرسش‌نامه و با مراجعه به خانوارهایی که از مهاجرت برگشته‌اند، بوده است. یک پرسش‌نامه که توسط محقق ساخته شده، در این تحقیق به عنوان ابزار جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است. پرسش‌نامه شامل ۳۴ آیتم است که در سه بخش متفاوت چیده شده است. نسخه اول پرسش‌نامه توسط کارشناسان و استادان مربوط بررسی و اصلاح شد و پس از اعمال پیشنهادها، آن‌ها به عنوان ابزار این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

تعداد ۵۰ پرسش‌نامه طی ۳ سفر به روستاها در میان شرکت‌کنندگان تحقیق توزیع شد، پس از پاسخ‌دهی آن‌ها جمع‌آوری شده و سپس، با استفاده از برنامه SPSS نسخه ۱۷ تجزیه و تحلیل شدند. ذکر این نکته لازم است که شرکت‌کنندگان در هر آیتم مجبور به یک انتخاب بودند و به هیچ وجه نظر شخصی محقق در وارد کردن اطلاعات در برنامه SPSS دخالت داده نشده است. جامعه آماری این تحقیق دهستان حاجیلو از شهرستان کبودرآهنگ انتخاب شده است و

واحد آماری این تحقیق ۵۰ نفر از سرپرستان خانوارهایی هستند که از مهاجرت به زادگاه خودشان برگشته‌اند. از این ۵۰ نفر ۹۰٪ مرد و ۱۰٪ زن هستند. ۳۸٪ بین ۲۹-۲۰ سال، ۵۸٪ بین ۴۹-۳۰ سال و ۴٪ بین ۷۰-۵۰ سال سن دارند. ۲۰٪ توانایی خواندن و نوشتن، ۱۰٪ تحصیلات راهنمایی، ۱۲٪ دیپلم و ۳۰٪ لیسانس یا بالاتر دارند. ۲۶٪ آن‌ها کشاورز، ۱۸٪ کارگر و ۲۰٪ کارمندان. ۱۲٪ نیز کارهای خدماتی را بر عهده دارند و ۲۴٪ نیز سایر شغل‌ها انتخاب کرده‌اند.

### ۳. مبانی نظری تحقیق

**مهاجر معکوس<sup>۱۱</sup>:** (تعریف پیشنهادی از طرف بخش آمار سازمان ملل) افرادی که بعد از پذیرش به عنوان مهاجر بین‌المللی در کشوری دیگر به کشور مادری خود بازمی‌گردند تا حداقل برای یک سال در آن‌جا اقامت کنند. از آن‌جا که تحقیق حاضر به مقوله مهاجرت معکوس از شهر به روستا می‌پردازد، با الهام از تعریف بخش آمار سازمان ملل مهاجر معکوس این‌گونه تعریف می‌شود: افرادی که پس از پذیرش توسط جامعه شهری دیگر، به شهر یا روستای مادری خود بازمی‌گردند تا حداقل برای یک سال در آن‌جا اقامت کنند.

**درآمد:** مقدار پولی است که تولیدکنندگان با فروش محصولات یا خدمات خود به دست می‌آورند.

**روابط خویشاوندی و بومی:** تعلقاتی که بر پایهٔ علایق فAMILI و خانوادگی شکل می‌گیرد.

**سطح توسعه:** واژهٔ توسعه از نظر لغوی در زبان انگلیسی، به معنی بسطیافتن، درک کردن، تکامل و پیشرفت است. توزیع متعادل و برابر عواملی هم‌چون درآمد، زمین، آب و سایر منابع تولید کشاورزی، بهره‌مندی برابر از امکانات، فرصت‌ها و پیامدهای توسعه در سطح جامعهٔ روستایی، ممکن است معرفی جامعهٔ متعادل و توسعه‌یافته باشد. بنابراین، سنجش و ارزیابی نحوهٔ توزیع موضوعات و عوامل مؤثر در توسعه و درجهٔ برابری یا نابرابری در توزیع یکی از روش‌های شناسایی وضعیت جامعه و سطح توسعهٔ آن است (جمعه‌پور، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۶).

**شاخص‌های سطح توسعه:** در این پژوهش سطح توسعه براساس میزان دسترسی و برخورداری از امکانات و خدمات رفاهی (تأمین آب آشامیدنی، گاز، برق، شبکهٔ مخابراتی، اینترنت، بانک، پست، نانوایی‌ها و قصابی‌های بهداشتی، مسکن، جاده و غیره) شاخص‌های اجتماعی (تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و خانهٔ بهداشت، آموزش و تربیت بدنی، شوراهای روستایی و غیره) و اقتصادی شامل (شغل، میزان درآمد، میزان تولید محصولات کشاورزی، میزان بهره‌وری از ادوات کشاورزی، مقدار زمین زیر کشت و غیره) تعریف شده است. در این پژوهش، مفهوم توسعه براساس مجموعه‌ای از متغیرهای زیرساختی، خدماتی، آموزشی، بهداشتی، رفاهی، سرانهٔ اشتغال، درآمد و دارایی بر مبنای مدل تاکسونومی محاسبه شده است.

**شرایط زندگی شهری:** دگرگونی در سبک زندگی مردم، از سبک زندگی روستایی به شهری، به همراه تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها که رفتارهای تازه‌ای را سبب می‌شود (شکویی، ۱۳۷۴، ص. ۱۲).

روند مهاجرت در اشکال مختلف خود، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، از دیرباز با جوامع انسانی همراه بوده است. جابه‌جایی، تغییر مکان و ترک زادگاه بومی با علل و انگیزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قومی، سیاسی، دینی، اقلیمی و غیره اساس مهاجرت را در راستای بهتر از گذشته و حال زیستن تشکیل می‌دهد.

اگرچه ردّ پای رویکردهای علمی مهاجرت معکوس را می‌توان در دههٔ ۱۹۶۰ یافت، تردیدی نیست که در دههٔ ۱۹۸۰ بود که بحث‌های علمی جدی میان متخصصان این رشته دربارهٔ مهاجرت معکوس و تأثیرات آن در گرفت. مهاجرت معکوس حیطةٔ نسبتاً جدیدی در مهاجرت است که معنای استاندارد در سیاست و یا قوانین ملی یا بین‌المللی ندارد. به نقل از نسخهٔ مطالب آموزشی سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۰۸، از دیدگاه مدیریت مهاجرت، بازگشت‌ها معمولاً بدون توجه به موقعیت اجتماعی فرد در کشور مقصد در سه سطح رخ می‌دهند:

- داوطلبانه و بدون اجبار
- داوطلبانه و با اجبار
- غیرداوطلبانه

در کشورهای جهان سوم روند مهاجرت، به دلیل رشد سریع جمعیت، توزیع نامتعادل امکانات، ساختارهای متمرکز و راهبردهای بخشی، برنامه‌ریزی بدون مشارکت افراد و گروه‌های مورد نظر از یک سو و رشد اقتصادی کند و نامتوازن از سوی دیگر، باعث امواج مهاجرت انسان‌ها از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ شده است. در کشور ما در فاصلهٔ سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ در مجموع، ۱۲۱۴۸۱۴۸ نفر در داخل مرزهای حکومتی جابه‌جا شده‌اند. از این تعداد محلّ اقامت قبلی ۹۷ درصد داخل کشور بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

در سطور پیش رو به مبانی و دیدگاه‌های اندیشمندان علوم اجتماعی نسبت به این‌که این روند مهاجرتی از چه سازوکارهایی تأثیر می‌پذیرد و علل و انگیزه‌های این‌گونه انسان‌ها اساساً چیست، پرداخته می‌شود.

در ارتباط با مدل اقتصاد کلان بیلز بارو مهاجرت را یک انتخاب فردی تلقی می‌کند. او معتقد است که افراد زمانی تصمیم به مهاجرت می‌گیرند که کسب منافع اقتصادی مورد انتظار بر هزینه‌های آن پیشی گیرد. مطابق این دستورالعمل مهاجرت ممکن است به عنوان ذهنیتی تلقی شود که فرد برای کسب منافع بیش‌تر به آن اقدام کند. بنابراین، در این بینش ویژگی‌های فردی چون سن، جنس، جنبه‌های مادی، سطح آموزش و نوع شغل ممکن است در ایجاد انگیزه برای مهاجرت مؤثر واقع شوند.

تعدادهای اقتصادی و اجتماعی موجود بین مناطق مختلف است.

آن‌ها هم‌چنین، اعتقاد دارند از آن‌جا که در هر نظام بدون وجود پوشش‌های انسانی تعادل به هم می‌خورد، مهاجرت عنصری الزامی جهت برقراری تعادل مجدد در جامعه است، از این جهت مهاجرت از یک طرف به مکانیسم تطابق شخص با تغییرات ایجادشده بدل می‌شود و از طرف دیگر، تعادل از دست‌رفته را به جامعه برمی‌گرداند. آن‌ها بعد از تبیین علل مهاجرت و اعتقاد به کارکرد مثبت برای آن، به اثرات مهاجرت بر ساخت مبدأ، مقصد و وضعیت شخص مهاجر می‌پردازند. به اعتقاد این‌ها ساخت جامعه مقصد مهاجر را از ابتدا در خود جذب و سپس با خود همانند می‌گرداند، مهاجر بعد از همانندشدن به یگانگی با آن دست می‌یابد.

بنابر اعتقاد کارکردگرایان، نظام مقصد، در نهایت، مهاجر و نسل‌های پا گرفته از آن را به عنوان اعضای دائمی خود با خصایص اقتصادی - اجتماعی نظیر سایر اعضای خود می‌پذیرند.

به طور کلی، آن‌ها مهاجرت را عامل مطمئن برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم تعادل در جامعه می‌دانند. آن‌ها هم‌چنین، می‌افزایند مهاجرت باعث برابری و استقلال می‌شود و زمینه بهبود وضعیت زندگی را به وجود می‌آورد و اعتقاد دارند اگرچه به لحاظ اقتصادی در ابتدا بیکاری به وجود می‌آورد؛ اما این بیکاری موقتی بوده و مدتی بعد از کسب شغل، بهبود و رفاه اقتصادی را به همراه می‌آورد. چهارچوب نظری این تحقیق از تلفیق و ترکیب دو دسته از نظریات مربوط به مهاجرت شکل گرفته است که هر کدام به صورت مختصر توضیح داده می‌شوند:

۱- دیدگاه اقتصادی: این دیدگاه به نوبه خود دارای تقسیم‌بندی‌هایی است. نظریات اقتصاددانان (کلان)، نوکلاسیک‌ها (خرد)، نظریه اقتصاد جدید، جزء دیدگاه اقتصادی محسوب می‌شوند. رویکرد اقتصاددانان نوکلاسیک به مهاجرت بر این ایده استوار است که تفاوت دست‌مزد میان مبدأ و مقصد هم‌چنین، انتظار مهاجر برای دست‌مزد بیش‌تر در مقصد است (تودارو، ۱۹۶۶)؛ اما مهاجرت معکوس به نظر می‌رسد یک تجربه شکست‌خورده است؛ به عبارت دیگر، از یک دیدگاه نوکلاسیک، مهاجرت معکوس منحصراً شامل مهاجران کار می‌شود که در مورد هزینه‌های مهاجرت اشتباه کرده‌اند و نتوانستند حقوق بالاتری دریافت کنند.

مهاجرت شکلی از جابه‌جایی جمعیت است که از مبدأ محل اقامت قبلی به مقصد محل اقامت جدید نقل مکان منجر شود. رولان پرسا برای مهاجرت سه ویژگی قایل است: ۱- وجود فاصله مکانی بین دو محل ۲- دائمی یا طولانی‌بودن مدت اقامت در محل جدید ۳- وجود فاصله در زمان انجام مهاجرت (زنجانی، ۱۳۸۰، ص. ۶).

اورت اس. لی (۱۹۶۶) بر نظریه جاذبه و دافعه تأکید کرده و آن را منشأ بروز مهاجرت می‌داند. او موانع مداخله‌گر بین دو مکان را برجسته می‌کند؛ از جمله فاصله، هزینه سفر، مزایا و مضرات مبدأ و امکانات و توانایی‌های مقصد. عواملی که برای عده‌ای کم‌اهمیت هستند (به عنوان مثال هزینه سفر)، ممکن است برای عده دیگری تحریم‌کننده باشد. عقاید تئوریک اورت اس. لی به مزایا و مضرات مکان مبدأ، همانند پتانسیل‌های مکان مقصد و هم‌چنین، موانع مداخله‌گر بین دو مکان توجه دارد. هم‌چنین، به نظر او عواملی که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرآیند آن وارد می‌شود، عبارت‌اند از:

الف) عواملی که با حوزه مبدأ ارتباط دارد

ب) عواملی که با حوزه مقصد مرتبط است

پ) موانع بازدارنده

ت) عوامل شخصی

واضح است که مجموع عوامل مثبت و منفی در مبدأ و مقصد برای مهاجر یا مهاجران با هم متفاوت هستند. در عین حال، ممکن است طبقاتی از مردم را که به گونه مشابه به مجموعه عوامل در مبدأ و مقصد واکنش می‌دهند، بتوان از یک‌دیگر تفکیک کرد (حاج حسینی، ۱۳۸۵، ص. ۳۹).

کارکردگرایان در خصوص دلایل مهاجرت بر این فرض تأکید می‌کنند که تمام نیازهای اجتماعی در چهارچوبی از نظام اجتماعی آموخته می‌شود.

کنش‌گران در یک نظام به نیازهایی باور دارند که در آن نظام نمی‌توانند آن‌ها را برآورده سازند؛ زیرا خصایص ساختن نظام‌های اجتماعی و کنش‌گران هرگز در طول زمان ایستا نیستند. این دیدگاه در توجیه مهاجرت‌های روستاییان عقیده دارد، از آن‌جا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط‌های روستایی برآورده نمی‌شود و در تعدادی از شهرها پاسخ صحیحی برای آن‌ها وجود دارد، از این رو، گونه‌ای عدم تعادل میان جوامع روستایی و شهری ایجاد می‌شود و روستاییان برای برآورد نیازهای خود دست به مهاجرت می‌زنند. بنابراین، از دیدگاه این نظریه، مهاجرت روستا- شهری، ناشی از عدم



در مقابل رویکرد اقتصاد جدید مهاجرت کار به مهاجرت معکوس به عنوان نتیجه منطقی «یک راه کار حساب شده» می‌نگرد و آن را دستاورد و یا هدف غایی مهاجرت می‌داند. در حقیقت، رویکرد اقتصاد جدید مهاجرت کار تمرکز تئوری مهاجرت را از استقلال فردی به استقلال دوطرفه تغییر در سطح خانواده یا خانه می‌دهد (استارک، ۱۹۹۱)؛ به علاوه، این رویکرد به بازگشت به عنوان نتیجه طبیعی یک تجربه موفق که در آن مهاجران هم درآمد بیشتری داشته‌اند و هم ثروت بیشتری اندوخته‌اند، مایل‌اند مقداری یا کلی از درآمد و ثروت خود را به خانه بیاورند.

اقتصاد جدید مهاجرت، شرایط بازارهای گوناگون، نه فقط شرایط بازارهای کار را مورد توجه قرار می‌دهد و مهاجرت را به عنوان تصمیم خانواده برای به حداقل رساندن خطرات موجود در مقابل درآمد یا برای غلبه بر محدودیت‌های سرمایه‌ای موجود بر سر راه فعالیت‌های تولیدی خانواده در نظر می‌گیرد (دوگلاس و مسی، ۱۹۹۳، ص. ۴۳۳).

گرچه این دیدگاه‌ها تفاوت‌هایی باهم دیگر دارند؛ اما در همه این نظریات، مهاجرت سازوکاری برای بازتوزیع نیروی کار است. بعضی از این دیدگاه‌ها، از دید ساختاری (کلان) به قضیه مهاجرت نگاه می‌کنند و عامل مهاجرت را محدودیت‌های ساختاری موجود قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر، برخی از این دیدگاه‌ها، مهاجران را به عنوان افرادی در نظر می‌گیرند که درگیر محاسبات هزینه-فایده هستند و برای بهبود در سطح زندگی مهاجرت می‌کنند (کلاته، ۱۳۷۸، ص. ۳۲).

به طور کلی، اقتصاددانان از توسعه نابرابر منطقه‌ای و تحلیل‌های هزینه-فایده برای تبیین مهاجرت استفاده می‌کنند. نظریه جاذبه و دافعه مطالعه‌ای است راجع به مکانیسم بیرونی مؤثر بر مهاجرت که براساس تفاوت‌های محیط طبیعی و سطوح مختلف توسعه اقتصادی در مبدأ و مقصد و همچنین مکانیسم درونی مبتنی بر تفاوت‌های موجود در فرآیند تصمیم‌گیری مهاجران شکل گرفته است. مدل جاذبه و دافعه برداشتی بی‌واسطه از مدل جاذبه نیوتن است. براساس این مدل، مبدأ دارای یک سری عوامل و نیروهای منفی (دافعه) و مقصد دارای نیروهای مثبت (جاذبه) است. وجود همین عوامل دافعه و جاذبه در مبدأ و مقصد باعث شکل‌گیری مهاجرت بین دو منطقه می‌شود؛ به عنوان مثال، وجود خویشاوندان و شبکه‌های مهاجر داخلی، احتمال مهاجرت را هم برای مردان و هم برای زنان افزایش می‌دهد. نتایج تحقیقی که در مکزیک

صورت گرفته بود، نشان می‌دهد که شبکه‌های خانواده درون مکزیک احتمال مهاجرت داخلی را تا ۴۶٪ افزایش می‌دهد (کران و ریورو، ۲۰۰۳، ص. ۲۸۹). در قالب مدل جاذبه و دافعه نیز اندیشمندان زیادی مانند هربل، زیپ، روانشتاین، بوگ، لی و غیره به ارائه نظریات خود پرداخته‌اند. اورت. اس. لی بعد از بازبینی و اصلاح نظریه روانشتاین به هم‌بستگی عوامل مثبت و منفی در مبدأ و مقصد و عوامل ویژه فردی اشاره کرد. از نظر لی تصمیم به مهاجرت تحت تأثیر چهار عامل است: عوامل موجود در مقصد، عوامل موجود در مبدأ، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد (موانع مداخله‌گر) و عوامل ویژه فردی مربوط به شخص مهاجر. لی چنین فرض می‌کند که مناطق مبدأ و مقصد دارای عوامل مثبت و منفی می‌باشند که فرد را جذب و دفع می‌کنند. عوامل خنثی نیز وجود دارند که افراد نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت هستند (لی، ۱۹۹۹).

عوامل متعددی از خصوصیات فردی گرفته تا وجود خویشاوندان، ارتقای شغلی، برخورداری از خدمات اجتماعی عمومی، برخورداری از امکانات رفاهی، آموزشی، بهداشتی، ورزشی، حمل‌ونقل و جابه‌جایی، عوامل طبیعی، سیاسی، قومی مذهبی، ازدواج، شرایط زیست‌محیطی، امنیت، تسهیلات بانکی، خدمات فرهنگی، مسکن، داشتن مستغلات، دگرزیستی و میزان سطوح برخورداری از موضوعات مطرح‌شده در مبدأ و مقصد بر جریان مهاجرت تأثیر می‌گذارد.

مشیری (۱۳۸۳) بر این باور است که «درست است که پایه‌های آغازین اقتصاد در روستاها را باید بر پایه فعالیت‌های کشاورزی دانست؛ اما در فرآیند تحولات اقتصاد روستایی در جهان، به نظر می‌رسد که بخش کشاورزی به‌تنهایی توانایی ایجاد تعادل در شاخص‌های اقتصاد روستاها و جمعیت این مناطق را ندارد و لزوم پرداختن به فعالیت‌های غیر کشاورزی و جست‌وجوی شیوه‌های جدید معیشت، بیش از پیش احساس می‌شود» (مطیعی لنگرودی و هم‌کاران، ۱۳۹۰، ص. ۶۸).

متنوع کردن اقتصاد روستایی به سوی فعالیت‌های غیرکشاورزی روستایی به آن معنی است که نه تنها باید به رشد فعالیت‌های غیرکشاورزی روستایی؛ بلکه به افزایش و تنوع فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی و منابع درآمدی مکمل در راهبردهای معیشت خانواده‌های روستایی توجه کرد (روچی، ۲۰۰۹، ص. ۳).

در این بررسی با توجه به داده‌های موجود سعی می‌شود تا تأثیر برخی از عوامل (با توجه به نوع داده‌ها و اطلاعات در

دسترس) در شکل‌گیری مهاجرت‌های معکوس مورد بررسی قرار بگیرد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

جداول فراوانی شامل فراوانی، درصد و فراوانی تراکمی برای هر یک از آیتم‌های موجود در پرسش‌نامه تهیه شدند. همچنین، برای تعیین میزان پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرون باخ استفاده شد و ضریب پایایی پرسش‌نامه ۰/۹۱٪ تعیین شد.

#### جدول ۵- رتبه‌بندی آبادی‌ها براساس سطح برخورداری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

رتبه	CIO (فاصله مرکب هر آبادی از آبادی ایده آل)	DL (سطح برخورداری آبادی)	نام آبادی
۱	۳/۳۷	۰/۴۶	خان‌آباد
۲	۴/۵۰	۰/۶۲	پرورق
۳	۴/۸۶	۰/۶۷	داقداق آباد
۴	۵/۱۷	۰/۷۱	کردآباد
۵	۵/۶۰	۰/۷۷	قزل‌جه
۶	۵/۶۲	۰/۸۷	رامیشان
۷	۵/۸۱	۰/۸۰	بابان
۸	۶/۱۷	۰/۹۵	قلی‌آباد
۹	۶/۵۲	۰/۹۰	ساری‌بلاغ

توسعه‌یافتگی  $0/44 = 0/46 - 0/90$  و دامنه هر گروه در مراتب سه سطحی  $0/14$  است.

چنان‌چه ملاحظه می‌شود براساس شاخص‌های انتخابی، توسعه‌یافته‌ترین آبادی، خان‌آباد ( $0/46$ ) و توسعه‌نیافته‌ترین آن‌ها ساری‌بلاغ ( $0/90$ ) بوده‌اند. دامنه تغییرات درجه

#### جدول ۶- درجه توسعه‌یافتگی آبادی‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

رتبه آبادی‌ها	آبادی‌ها	درجه توسعه‌یافتگی
توسعه‌یافتگی بالا	خان‌آباد، پرورق	$0/46 - 0/62$
توسعه‌یافتگی متوسط	داقداق آباد، کردآباد، قزل‌جه، رامیشان و بابان	$0/67 - 0/78$
توسعه‌یافتگی پایین	بابان، قلی‌آباد و ساری‌بلاغ	$0/80 - 0/90$

جه در جایگاه سوم و روستاهای ساری‌بلاغ و قلی‌آباد از هیچ نوع سطح برخورداری بهره‌مند نیستند. از مجموع پرسش‌نامه‌ها ۱۴ خانوار از نورآباد، ۱۱ خانوار پرورق، ۸ خانوار از داق‌داق آباد، ۸ خانوار از رامیشان، ۵ خانوار از کردآباد و ۴ خانوار از روستای بابان بودند.

جدول بالا نشان می‌دهد که بیش‌ترین تعداد آبادی‌ها (۵) آبادی از ۹ آبادی) در رتبه با توسعه‌یافتگی متوسط قرار دارند و دو روستا (خان‌آباد و پرورق) در رتبه با توسعه‌یافتگی بالا طبقه‌بندی می‌شوند.

روستای داق‌داق آباد با سطح برخورداری  $513/78$  بالاترین و روستاهای بابان و کردآباد با سطح برخورداری  $143/78$  بالا در جایگاه دوم، نورآباد، رامیشان، پرورق و قزل

**۱.۴. پاسخ به سؤالات تحقیق**

- آیا بین افزایش سطح توسعه در روستاها و تغییر الگوی مهاجرت رابطه‌ای وجود دارد؟

جداول فراوانی مربوط به پرسش‌هایی که به مقوله توسعه و مهاجرت معکوس می‌پردازند، نشان می‌دهند که ۸۶٪/۷ شرکت‌کنندگان از خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی، ۸۲٪/۲۴ شرکت‌کنندگان بهبود سطح رفاه، ۸۸٪/۲۵ آن‌ها ارزان بودن زندگی، ۷۴٪/۲۸ آن‌ها امکان ایجاد شغل و ۷۰٪/۲۹ آن‌ها امکانات تحصیل فرزندان‌شان در روستا را از انگیزه‌های مهاجرت معکوس دانسته‌اند.

با توجه به یافته‌های بالا می‌توان مدعی شد که حداقل در این مجموعه ۵۰ نفری از مهاجران معکوس بین افزایش سطح توسعه و تغییر الگوی مهاجرت رابطه مستقیم وجود دارد.

- آیا بین شرایط زندگی شهری و تغییر الگوی مهاجرت رابطه‌ای وجود دارد؟

جداول فراوانی مربوط به پرسش‌هایی که به مقوله شرایط زندگی شهری و مهاجرت معکوس می‌پردازند، نشان می‌دهند که ۷۰٪/۱۷ شرکت‌کنندگان معتقدند کسانی که به شهر مهاجرت کرده‌اند، خود را غریبه احساس می‌کنند، ۶۸٪/۱۹ شرکت‌کنندگان معتقدند اگر آدمی بخواهد راحت زندگی کند، باید به روستا برگردد، ۸۴٪/۲۱ بر این باورند که زندگی در شهر سخت است، ۸۶٪/۳۰ آن‌ها آلودگی هوا در شهرها، ۹۴٪/۳۱ آن‌ها هزینه بالای زندگی در شهر، ۶۶٪/۳۲ نبود کار در شهر، ۹۶٪/۳۳ آن‌ها هزینه بالای مسکن در شهر و ۶۴٪/۳۴ آن‌ها احساس تنهایی در شهر را از انگیزه‌های مهاجرت معکوس دانسته‌اند.

با توجه به یافته‌های بالا می‌توان مدعی شد که حداقل در این مجموعه ۵۰ نفری از مهاجران معکوس بین شرایط نامساعد شهری و تغییر الگوی مهاجرت رابطه مستقیم وجود دارد.

- آیا بین میزان درآمد افراد و مهاجرت معکوس رابطه‌ای وجود دارد؟

جداول فراوانی مربوط به پرسش‌هایی که به میزان درآمد افراد و مهاجرت معکوس می‌پردازند، نشان می‌دهند که در ۵٪/۸۰ شرکت‌کنندگان از زندگیشان راضی هستند، ۴۶٪/۸ شرکت‌کنندگان گفته‌اند که از خود زمین دارند و ۷۸٪ گفته‌اند که از درآمد خود راضی هستند.

با توجه به یافته‌های بالا می‌توان مدعی شد که حداقل در این مجموعه ۵۰ نفری از مهاجران معکوس بین میزان درآمد افراد و مهاجرت معکوس رابطه مستقیم وجود دارد.

- آیا بین تعلق قومی و بومی نسبت به مکان‌های مبدأ و مهاجرت معکوس رابطه‌ای وجود دارد؟

جداول فراوانی مربوط به پرسش‌هایی که به مقوله تعلق قومی و بومی و مهاجرت معکوس می‌پردازند، نشان می‌دهند که ۸۰٪ شرکت‌کنندگان از زندگی خود ابراز رضایت کرده‌اند، ۹۴٪ از شرکت‌کنندگان زندگی بدون مسکن در شهر را مشکل می‌دانند، ۷۰٪ شرکت‌کنندگان گفته‌اند که همسرانشان از بازگشت به روستا رضایت دارند، ۵۹٪/۲ شرکت‌کنندگان گفته‌اند که فرزندان‌شان نیز از این بازگشت رضایت دارند، ۹۰٪ شرکت‌کنندگان گفته‌اند که اهالی روستا از بازگشت آن‌ها خوشحال‌اند و ۷۸٪ شرکت‌کنندگان معتقدند اقوام و خویشاوندان نیز از بازگشت آن‌ها خوشحال‌اند.

با توجه به یافته‌های بالا می‌توان مدعی شد که حداقل در این مجموعه ۵۰ خانواری از مهاجران معکوس بین تعلق قومی و بومی و مهاجرت معکوس رابطه مستقیم وجود دارد.

**۵. بحث و نتیجه‌گیری**

همان‌طور که گفته شد، در این تحقیق معلوم شد که بین افزایش سطح توسعه در روستاها و تغییر الگوی مهاجرت، رابطه مستقیم وجود دارد؛ به عبارت دیگر، هر چه سطح توسعه در روستاها افزایش یابد، افراد بیش‌تری از شهرها به روستاها بازخواهند گشت و افراد کم‌تری از روستاها به شهرها مهاجرت خواهند کرد. با توجه به این موضوع می‌توان توسعه روستایی را مقوله‌ای چندبعدی از مسائل اقتصادی و اجتماعی دانست و می‌توان نتیجه گرفت که توسعه زیرساخت‌های اجتماعی؛ مانند امکانات بهداشتی، آموزشی و امنیتی که باعث رشد منابع انسانی در روستاها خواهد شد، یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها است. یافته دوم این تحقیق نشان‌گر این است شرایط نامساعد شهری بر فرآیند مهاجرت معکوس تأثیر مستقیم دارد. در پرسش‌نامه این تحقیق، هزینه بالای مسکن، نبود شغل در شهر و احساس تنهایی در شهر به عنوان عوامل نامساعد زندگی شهری مورد بررسی قرار گرفته بودند. یافته سوم تحقیق که از یک رابطه مستقیم میان میزان درآمد افراد و مهاجرت معکوس می‌گوید، می‌تواند حاکی از امر دیگری هم‌چنان مرتبط با توسعه روستاها باشد و آن مقوله اشتغال‌زایی و افزایش درآمد روستاییان است؛ به عبارت دیگر،

ذهن دیگر روستاییان بزداید؛ زیرا ممکن است تجربیات و دانش افراد مهاجر از شهر به روستا افزایش یافته باشد و آن‌ها بتوانند پس از بازگشت امکانات بهتری را برای خود در روستا فراهم کنند. همین امر ممکن است سبب شود که در وضعیت کنونی سایر روستاییان افکار مهاجرت‌های کوتاه‌مدت به قصد دانش‌افزایی یا یادگیری مهارت‌های شغلی را در سر بیروانند.

#### یادداشت‌ها

1. NELM
2. Circular migration
3. Return migration
4. resettlement
5. integration
6. Geiger and Felgentreff (2013/7)
7. Schland (2012/15)
8. Schiuan
9. Anhui
10. UN Chronicle
11. Returning migrants are persons returning to their country of citizenship after having been international migrants (whether short-term or long-term) in another country and who are intending to stay in their own country for at least a year. From this site: <http://www.oecd.org/els/mig/43999382.pdf>

هرچه‌قدر اشتغال‌زایی در روستاها و درآمد روستاییان افزایش یابد، روستاییان کم‌تر به شهرها مهاجرت خواهند کرد و روند مهاجرت معکوس از شهر به روستا نیز افزایش خواهد یافت. می‌توان از دولت‌ها انتظار داشت که هم‌گام با تلاش برای توسعه کشاورزی و مدرن کردن آن، در امر فعالیت‌های صنعتی نیز سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در روستاها و به‌تبع آن، اشتغال‌زایی و افزایش درآمد روستاییان تشویق کنند. یافته پایانی تحقیق نشان‌دهنده وجود رابطه میان تعلقات قومی و بومی و مهاجرت معکوس است. عوامل نامساعد زندگی شهری و عدم پذیرش روستاییان توسط جامعه شهری می‌تواند تعلقات قومی و بومی آن‌ها را افزایش داده و میل بازگشت را در آن‌ها افزایش دهد. آن‌چه می‌تواند برای دولت‌مردان در امر توسعه روستاها درس خوبی باشد، استفاده از همین تعلق بومی و قومی در مشارکت فرد فرد روستاییان در امر توسعه و دخالت‌دادن آن‌ها در امور روستا است.

نکته دیگری که ذکر آن خالی از لطف نیست، این است که مهاجرت معکوس روستاییان و افزایش درآمد آن‌ها پس از بازگشت به روستا می‌تواند فکر مهاجرت‌های دائم به شهر را از

#### کتابنامه

1. Azimi, H. (1383/2004). *Today's Iran in the context of developmental issues*. Tehran, Iran: Islamic Culture press. [In Persian]
2. Collier, W. Piracha, M., & Randazzo, T. (2011). *Remittances and return migration*. IZA Discussion Paper Series, 6091(1-31), Retrieved 20 September 2015 from: <http://ftp.iza.org/dp6091.pdf>
3. Curran, S. R., & Rivero-Fuentes, E. (2003). Engendering migrant networks: The case of Mexican migration. *Demography*, 40(2), 289-307.
4. Felgentreff, C., & Geiger, M. (2013). Klima und umwelt als determinanten raumlicher Mobilat?. *IMIS-BEITRÄGE*, 44, 7-19.
5. Findley, S. (1372/1993). *Planning for internal migration*. (A. A. Lahsae Zadeh, Trans.). Shiraz: Navid press. [In Persian]
6. Hajhosseini, H. (1385/2006). A review on migration theories. *Rahbord Journal*, 41, 35-46. [In Persian]
7. International Organization for Migration (IOM). (2008). Return migration. *Essentials of migration Management*, 3, 1-15.
8. Jomehpour, M. (1378/1999). *Investigating the place of rural sector in national development planning process*. A Collection of Papers Presented in a Seminar "Fifty Years of Planning in Iran" (pp.1-20), Alame Tabataba University, Tehran, Iran. [In Persian]
9. Jomehpour, M. (1386/2007). Relationship between the level of development in the villages and migration to Tehran. *Rural Areas and Development Quarterly*, 3(10), 27-58. [In Persian]
10. Jomehpour, M. (1391/2012). *An Introduction to Rural Planning: Perspectives and Methods*, (5<sup>th</sup> Ed.). Tehran, Iran: SAMT Press. [In Persian]
11. Kalate, M. (1378/1999). *Migration and Unfair Development*. Unpublished master's thesis, Tehran University, Tehran, Iran. [In Persian]
12. Lahsae Zadeh, E. (1368/1989). *Sociological Perspectives of Migration from Villages to Cities*. Shiraz, Iran: Navid press. [In Persian]

13. Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3(1), 47-57.
14. Martin, R. and Radu, D. (2012). Return migration: The Experience of Eastern Europe, *International Migration*, 50 (6), 109-128.
15. Massey, D., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, E. (1993). Theories of international migration: a review and appraisal. *Population and Development Review*, 19(3), 431-466.
16. Motiee Langroudi, H., Ghadiri Masoum, M., Nazari, M., & Sahneh, B. (1390/2011). Effects of reverse migration to villages and the general well-being of villagers (Case study: AGh-Ghala County). *Human Geography Researches Journal*, 78, 83-67. [In Persian]
17. Rabani, R., Taheri, Z., & Rousta, Z. (1390/2011). Investigating the causes of reverse migration and the effects on social and economic development in Tonekabon and Ramsar. *Research and Urban Planning Journal*, 2(5), 83-108. [In Persian]
18. Rocchi, B. (2010, June). *Gathering information on total household income within an "industry oriented" survey on agriculture: methodological issues and future perspectives*. In Statistics on Rural Development and Agriculture Household Income. Proceedings of 2nd Meeting of the Wye City Group, Rome, Italy (pp. 11-12). Retrieved 20 November 2015 from: [http://www.fao.org/fileadmin/templates/ess/pages/rural/wye\\_city\\_group/2009/Paper\\_3\\_4\\_Rocchi\\_Gathering\\_information\\_on\\_total\\_household\\_income.doc](http://www.fao.org/fileadmin/templates/ess/pages/rural/wye_city_group/2009/Paper_3_4_Rocchi_Gathering_information_on_total_household_income.doc)
19. Schland, A. (2012). Wissen Wandert: die Bedeutung von Remigranten für die wissensbasierte Regionalentwicklung in Entwicklungs- und Schwellenländern. *IMIS-BEITRÄGE*, 42, 95-112. Retrieved 10 November 2015 from: [https://www.imis.uni-osnabrueck.de/fileadmin/4\\_Publikationen/PDFs/imis42.pdf](https://www.imis.uni-osnabrueck.de/fileadmin/4_Publikationen/PDFs/imis42.pdf)
20. Setoudeh, H. (1386/2007). *Sociology of Iranian Social Issues*. Tehran, Iran: Nedaye Aryana Press. [In Persian]
21. Shekouie, H. (1374/1995). *New Perspectives on Urban Geography*. Tehran: Samt press. [In Persian]
22. Statistical Center of Iran. (1385/2006). *Detailed Result of Population and Housing Census*. Tehran, Iran: SCI Publication. [In Persian]
23. Statistical Center of Iran. (1390/2011). *Detailed Result of Population and Housing Census*. Tehran, Iran: SCI Publication. [In Persian]
24. Wang, H. (2013). China's return migration and its impact on home development. *UN Chronicle*, 50(3), 34-36.
25. Wang, W. W., & Fan, C. C. (2006). Success or failure: selectivity and reasons of return migration in Sichuan and Anhui, China. *Environment and Planning A*, 38(5), 939-958.
26. Zanjani, H. (1380/2001). *Migration*. Tehran, Iran: SAMT Press. [In Persian]

## The Procces and Pattern of Return Migration and Factors Affecting it (Case Study: Hajilou Dehestan- Kabodarahang County)

Mojtaba Alibabaiee\*<sup>1</sup> – Mahmoud Jom'epour<sup>2</sup>

1- MSc. in Rigional Development and Planning, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

2- Full Prof. in Social Planning and Rigional Development, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Received: 2 January 2016

Accepted: 28 September 2016

### Extended abstract

#### 1. INTRODUCTION

Immigration plays an important role in reducing poverty and vulnerability in low-income families. People for various reasons, specifically, economic, social, cultural, environmental, and natural disasters leave their native land. So far in our country, people often have migrated from rural areas to cities. In recent years, however, we are witnessing the reverse. People have been migrating from urban areas to the countryside. And, it seems the issue has taken on a higher growth and intensity rate.

According to the results of the General Census of Population and Housing in 2011, the number of immigrants from urban to rural areas has increased by 6%. In fact, a part of the flow of migration is return migration, the migration back to the origin of immigrants.

Due to the attention paid to the relationship between migration and development by the international organizations, there is a need to review different approaches to return migration. Many governments in different countries have gradually come to the fundamental fact that the urban crisis is the crisis of rural producers.

Statistics show that in many developing countries the weight and importance of rural areas is much more than the amount of attention paid to them. As the rapid growth of urbanization is a growing concern in developing countries, rural development also assumes great importance in such countries (Jomehpoor, 2013). The present study, therefore, investigates the process of return migration and factors affecting the decision to return.

#### 2. THEORETICAL FRAMEWORK

Migration in its various forms, whether individually or as a group, have long been associated with human communities. Migration from one's native land with social, cultural, ethnic, political, religious, and climatic motivations is

aimed at achieving better standards of past and present life.

The theoretical framework of the present study is based on the combination of two groups of macroeconomic theories and new economics of migration. Not only different market conditions but also labor market ones are addressed by new economics of migration. The theory considers migration as a family decision to minimize the risks against income or to overcome the limitations of capital in the way of productive activities of families (Douglas & Massey, 1993).

Economists generally use unequal regional development patterns and cost-benefit analysis to explain migration. The flow of migration is usually affected by several factors ranging from personal characteristics, relatives, job promotion, public social services, facilities for welfare, education, health, sports, transportation, natural, political, ethnic, religious factors, marriage, environmental conditions, security, banking facilities, cultural services, and housing in the origin and destination of migration.

#### 3. METHODOLOGY

In a form of field and survey study, the issue was investigated in a rural area experiencing return migration. Four factors including rural development, living condition in cities, annual income, and ethnic bonds were considered as the most probable factors affecting the decision to return. In a correlational analysis, the relationship between the above-mentioned variables and return migration was investigated. The sample of this study was Hajilou, located in the central part of Kaboudrahang, where the region is experiencing the process of return migration. All nine villages in Hajilou were selected for the purpose of this study and questionnaires were used as research instruments. The collected data were analyzed using descriptive statistical techniques. Frequency tables including frequency, percentage and cumulative frequency for each of the items in the

\*. Corresponding Author: Mojtaba.alibabai@gmail.com

questionnaire were prepared. In addition, Cronbach's alpha coefficient was used to determine the reliability of the questionnaire.

#### 4. DISCUSSION

Based on the selected criteria in the present study, the most developed village Khanabad was the best developed village and Saribolaq was the least developed one. Most villages are classified in the middle rank of development. And two villages called Khanabad and Parvarq are classified in the high rank of development.

Descriptive statistics in the present study show that participants of the study consider welfare, education, and health care as motivations to return to their native land.

The frequency tables also show that the participants do not have a sense of belonging to the cities. They believe one has to return to the village to live comfortably; they also consider the pressure of city life, air pollution, high cost of living, unemployment, expensive housing and loneliness as motivations to return migration. The descriptive statistics used in the study also show that the participants of the study are happy with their life in villages; they have their own fields to work on; and they are happy with their income. Furthermore, the participants believe that their family members, their relatives and the people in the village are happy with their return migration to villages.

#### 5. CONCLUSION

In this study, it was found that there is a direct relationship between the level of development in the rural areas and the changes in migration patterns. In other words, the better the level of development in villages, the more people will return from the cities to rural areas and fewer

people will migrate from villages to urban areas. With this in mind, we can claim that the concept of rural development is an economic, social, and multidimensional issue. It can also be concluded that the development of social infrastructure such as health facilities, education and security that cause human resource development in the village will be one of the main tasks of governments. The second finding of this study indicates that urban conditions have a direct influence on the process of return migration. Furthermore, there is direct relationship between the amount of family income and return migration. This can suggest another fact related to the rural development: creating jobs for rural residents and increasing their annual income. In other words, the more jobs in rural areas and increase rural incomes, the less rural people move to cities and the process of return migration from urban to rural areas will also increase.

The last finding of the research revealed the existence of a direct relationship between ethnic bonds and return migration. Unfavorable conditions in urban areas and the rejection of villagers by the urban population could cement their ethnic and indigenous bonds and, in return, lead in their desire to return. This sense of belonging to their native land and their ethnic groups can be used to make each and every villager involved in the process of development in rural areas. This could be a very good lesson for the governments.

**Key words:** Return migration, development, living condition in cities, annual income, affiliation of ethnic and indigenous.

#### How to cite this article:

Alibabaiee, M. & Jom'epour, M. (2017). The process and pattern of return migration and factors affecting it (Case study: Hajilou Dehestan- Kabodarahang County). *Journal of Research & Rural Planning*, 5(4), 91-105.

URL <http://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.52717>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495